

مؤظه درمائی بروایت مارشال فهیم آخذ ! ؟ مکئی بر خطبه ای بنام « اجماع ملی »

بچه ای پتلون اش را «سرچه» پوشیدی بود یعنی طوری که جیب پشت پتلون ، پیشرو و زیب پتلون در پشت قرار گرفته بود. مادرش برایش گفت؛ مادر مریسی ! بالاخر من نفهمیدم که داری می آئی یا میروی؟!

پیوسته به گذشته بخش سوم :



محمد امین فروتن

اخیراً رسم شعی است که هرکه فیل اش هوای هندوستان کند با هر بهانه ای و با هر مناسبتی خطبه ای بنام « اجماع ملی !» را تکرار میکنند بدون تردید تکرار این خطبه و این قصیدی که در لحافی از هزاران ابهامات پیدایش شعی است نه معرّف دموکراسی است و نه حتی دیکتاتوری، نه نمایانگر دولت مشروع است و نه هم خشت محکم برای ملت سازی ! مفهوم « اجماع ملی!! » شبیه به همان حکایت پتلونی است که اگرچه پوشیدی شود هیچکسی نه میداند مردی که پتلون را پوشیدی است به پیش میرود و یا هم عقب !



دوسه روز پیش بود که چشم ام به تلویزیون طلوع که از افغانستان و شهر کابل پخش میشود افتاد و مردی با هیكل درشت و از تیار پهلوانان «زنده خوش!!» سرزمین افغانستان در یک محفل تشریفاتی به مؤظه ای معمول مگر پراگش که واعظان و خطیبان مذهبی در قبرستان ها برجنازین ها میخوانند به صورت «عجیب و غریبی!!» می پرداخت. شگفت انگیز ترین اعترافی که حضرت مارشال صاحب در این مؤظه ای خود بر آن تأکید و صحه گذاشت همانا حاکمیت قبل از ورود طالبان در افغانستان برهبری مرحوم استاد برهان الدین ربانی بوده که بر قلمروی جغرافیای افغانستان بنام « دولت اسلامی افغانستان » بصورت یکجانبه و بدون مشارکت دیگر شهروندان افغانستان تسلط داشت . وی در بخشی از سخنان اش که بروز سه شنبه یازدهم جون در کنفرانس موسوم به " **تأمین امنیت ، ثبات بهبود حکومت داری و انکشاف مؤثر** " متشکل از والیان ۳۴ ولایت افغانستان چنین گفت :

<https://www.youtube.com/watch?v=iVyFQOxHzJU>

متأ سفانه زمانی که پیروزی به مجاهدین نصیب شد پروردگار پاداش همه زحمت مجاهدین را برایشان نصیب کرد ولی نا بلدی و نا آشنائی مجاهدین در حکومت داری از یکطرف و مداخله بیگانه ها و کشورها ی همسایه ای که هدف شوم در مملکت ما دارند ، آنها می خواهند که افغانستان هیچ وقت یک نظام مقتدر و مرکزی نداشته باشد یک نظام پوشالی با آنها داشته باشد ، آنها حرکت های را در افغانستان سازماندهی کردند که نظام جهادی از بین برود اردوی قوی و بزرگ در افغانستان که در منطقه بینظیر بود اردوی افغانستان که هم از لحاظ تخنیکی به وسائل مدرنی مجهز بود ... نه کمونیست ها توانیستند که نظام قابل قبول بیارند - و نه حکومت مجاهدین را ماتندند که نظام در افغانستان بوجود بیارد و نه طالبها در افغانستان به اصطلاح نظام قابل قبول به افغانستان آوردند . به همین لحاظ بود که در دوران مقاومت ملی رهبر مقاومت آمر صاحب شهید و دوستان اش مجاهدین و ما به این فکر شدیم که در افغانستان هیچ ممکن نیست که هیچ گروهی به تنهایی خود حکومت کند . چونکه افغانستان متشکل از اقوام مختلف و از جغرافیای مختلف تشکیل شده - هیچ گروه نمی تواند که رژیمی مطابق میل خود بوجود بیاورد . بناً از همان دوران به این فکر بودیم و حتی اعلام کردیم و شخصاً خودم زیات به این فکر بودم که در افغانستان باید نظامی بیاید که همه مردم در آن شریک باشند ولی در تسلط طالبها به آن قوتی که در افغانستان بودند هیچکسی تصور نه میکرد!! ما معتقد بودیم که طالبان شکست میخورند چرا که ظلم ، استبداد و بیداد گری آنها نشان می داد ، چنانچه پیامبر علیه سلام می گوید که « الملک یُبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم » پادشاهی و حکومت همراه کفر دوام میکند مگر همراه ظلم دوام نه میکند هیچ کس صدایی ما را نه می شنید ولی شرائطی آمد که در افغانستان آن بلند منزل های امریکا همراه پنتاگون توسط گروپ القاعده چپه شد و افغانستان مورد توجه جهان واقع گردید . ائتلاف بین المللی تشکیل شد و در پیشاپیش آن مقاومتگران افغانستان با برنامه ای که آنها داشتند در هراستقامت حمله کردند و طالبها را با زور جنگ شکستاندیم . این جا شما هستیید اینجا همدرد صاحب هست استاد عطاً هست آنها بگویند که آیا در جبهه مزار و دره صوف طالبها خیراتی رفتند ؟ یا شب و روزها مقاومت کردند و حتی خود شما در برابر شان جنگیدید ؟ من خودم شاهد هستم به فتح کابل تنها در خط باریکاب که پاکستانی ها بودند خلص اینکه بیش از بیست میل BM12 داشتند تا که همه شان کشته نه شدند و جسد هایشان و لاشهایشان نه اُفتید خط را رها نکردند . در این شک نیست که ائتلاف بین المللی و روان عمومی دنیا سر طالب ها تأثیر داشت ولی طالبها را مجاهدین شما و مقاومتگران شما در افغانستان شکست دادند !!

کنفرانس بن و بی خبری ملا فهم آخذ!

در افغانستان نظام اسلامی وجود داشت هر چند ضعیف بود و در بیرون از کابل قرارداد داشت استاد ربانی شهید بحیث رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان بود ولی همه به همین باورشیدیم که " این بار ما از نظام یک جانبه و حکومت یکجانبه دیگر منصرف میشویم اعلام میکنیم به مردم افغانستان که گردهم جمع شوند و نظام در افغانستان تأسیس نکنند و ما آملی هستیم که انتقال قدرت بکنیم!! او اگر نه شما همین کسی که بحیث رئیس جمهور امریکا تعیین شئی است و حال آمد یعنی جیمز دابنز Jims Dhakens در روز دوم فتح کابل در باگرام پایان شد و به ما گفت که شما شش مل همین حکومت را دوام بدهید ما گفتیم نه برادر! در این کشور بسیار جنگ شئی، بسیار دسیسه شئی... اگر ما حکومت را دوام بدهیم جنگ دوباره در این وطن آغاز می شود بنا ما آملی هستیم که شما اقدام بکنید و ملل متحد اقدام بکند و در افغانستان صلح بیاید... و شما هم همه شاهد هستید که استاد شهید با تمام متانت و دیدگی دور اندیشانه ای که در قبال افغانستان داشت و استعداد رهبری و بزرگی را در این جامعه کسب کرده بود زمانی که حکومت مؤقت تشکیل شد، داکتر صاحب اشرف غنی در جریان هستند کاملاً - از زمانیکه حکومت تشکیل شد و آقای کرزی بحیث رئیس حکومت مؤقت انتخاب شد!! استاد محترم، همه شما شاهد هستید که انتقال قدرت کرد... در ارگ هیچ چیزی موجود نبود و حتی رئیس صاحب اعتبار رفت برای کاکای کرزی صاحب لحاف آورد. همه چیز در این وطن چور و نابود شئی بود و یاپیزی و امکاناتی بود که در اختیار مقاومت گران وجود داشت. مجاهدین شما و مقاومتگرای شما که داکتر صاحب هم شاهد است * کی باید حکومت و نظام جور میکرد؟ ما و شما باید نظام و حکومت جور میکردیم!! نه ان کسان بیچای ای که از بیرون آملی بودند، آنها چه کرده میتوانیستند؟ با دل باز و دید طولانی و درازی که ما برای افغانستان داشتیم، همه امکانات سیاسی، امکانات نظامی، امکانات مادی و معنوی که داشتیم در خدمت نظام گذاشتیم و همه ما تلاش به خرچ دادیم تا در افغانستان یک نظام واقعاً سرتاسری در افغانستان به وجود آمد...

اکنون تا آنگی که برداشت جناب مارشال صاحب از " اجماع ملی!! " را مورد کنکاش قرار میدهیم بهتر خواهد بود تا این بخشی از خطبه غرای!! حضرت مارشال را که مربوط به مقطع انتقال قدرت از مجاهدین جبهه شمال برهبری مرحوم استاد برهان الدین ربانی به ادایس مؤقت برهبری حامد کرزی که به اساس فیصله های کنفرانس بن عهده دار مسؤلیت ادایس مؤقت گردیدی بود به بحث بگیریم. این هم از عجایب روزگار است که برخی ها به بسیار زودی ضعف حافظه پیدا میکنند و بروز روشن و به بسیار آرامی و سادگی در برابر جمعی که گلی گاهی برخی از آنها را به عنوان گواهان و شاهدان نام میبرند دروغ می فرمایند!!

خوب وقتی چنین بزرگانی!! و در چنین مجلس به ظاهر بزرگی!! نه تاریخ هزار و چهار صد سال گذشته را بلکه تاریخ یک دهه ای از فاجعه کشور افغانستان را که مفادات و خاطرات آن حتی در ذهن کودکان این نسل نیز باقی مانده است با ضرب زبانی ها و متلک گوئی های مرسوم مافیائی مسخ میکنند به کجا باید پفل برد؟

شما خوانشی گان عزیز خود تان کلا تانرا قاضی کنید و سپس سخنان مارشال صاحب را قضاوت بفرمائید آیا بدون آنکه برای مارشال صاحب دعا کنید و از این تب شدیدی که بروی غلبه کرده است

از خداوند شفای عاجل طلب کنید مطلب دیگری به ذهن تان خطور خواهند کرد ؟ زیرا از قدیم گفته اند که عقل سلیم در بدن سالم !

آیا این مسخر نیست که برخلاف تفکر و برداشت تمامی رجال و شخصیت های حقیقی و حقوقی جامعه افغان که حوادث تلخ تاریخ دست کم چهار دهه گذشته افغانستان را به مطالعه گرفته اند و برویت چنین مطالعات و پژوهش های خویش در زمینه تاریخ جامعه افغانی به قضاوت می نشینند جلالتمآب مارشال صاحب بر خود تهمت میبندد و بصورت متناقض و پارادوکسیال تمامی ریل های فاجعه را به دولت مجاهدین برهبری مرحوم استاد برهان الدین ربانی پیوند می دهند ؟

جای این سوال باقی است که چگونه شد وقتی به قول جلالتمآب مارشال صاحب قبل از اینکه کنفرانس تاریخی بن منعقد گردد و ادای موقت را برای افغانستان تشکیل سازند رژیم طالبان توسط نیروهای مقاومت مجاهدین سقوط کرد و دولت مجاهدین برهبری استاد برهان الدین ربانی فقید زمام امور را در دست گرفت. و پس از تشکیل کنفرانس بن حین انتقال قدرت به ادای موقت برهبری جناب حامد کرزی وضع ارگ مقرر ریاست جمهوری افغانستان با انداز ای خراب بوسی که حتی برای کاکای حامد کرزی رئیس ادای موقت افغانستان که لابد در مهمانخانه های ارگ باید می خوابید شخصی بنام رئیس صاحب اعتبار را عرض آوردن یک تخته کمپل فرستادید تاکاکای کرزی شب را بدون کمپل سپری نکند .؟! مسخر ترین بخش این داستان آنجاست که جناب مارشال صاحب بخاطر راست جلیس دادن این داستان شخصی بنام داکتر اشرف غنی احمدزی را به گواهی می طلبد . و درست این عمل جناب مارشال صاحب مصداق این حکایت گونه ای عامیانه و فولکلوریک فرهنگ ما است که از روبیل پرسیدند : شاهد ات کیست ؟ گفت دُمم !

ادامه دارد

*" هدف از اشرف غنی احمدزی است که در کنفرانس والیان حضور داشت "